

رامسر

عباس ترابزاده

حجت‌الله یارمحمدی، علی کندی

شهرستان رامسر در غرب استان مازندران و از شمال به دریای خزر، از جنوب به رشته کوه البرز، از شرق به شهرستان تنکابن و از غرب به استان گیلان (شهرستان رودسر) محدود بوده و ۲ شهر، ۱ بخش، ۴ دهستان و ۱۴۰ آبادی دارای سکنه دارد. در این گفتار ضمن بررسی بخشی از داروها منطقه اعم از گیاهی و غیر گیاهی به بیماری‌های مهم منطقه و شیوه‌های درمان آنها با استفاده از پزشکی سنتی نگاهی خواهیم انداخت.

داروهای گیاهی و خواص آن

گل‌گاوزبان برای درمان سرماخوردگی.

گل‌ختمی برای درمان درد قفسه سینه.

چی وشی (čeyvašey): برای درمان درد شکم و سرماخوردگی.

برگ درخت شمشاد را دم‌کرده برای دفع انگل می‌خورند و نیز جوانه‌های برگ را ساییده آبش را می‌گرفتند و می‌خوردند.

ترنگ‌واش (torengvâš): دم‌کرده برگ این گیاه را هنگام ناشتایی برای دفع نفخ شکم می‌خورند.

برگ درخت کاکونار (kâkunâr): یا خشخاش را در غذا می‌پزند و برای درد شکم استفاده می‌کنند.

شاه‌تره پخته آن را با حنا مخلوط کرده برای درمان سردرد و دید بهتر چشم و ریزش مو استفاده می‌کنند.

نعنا را با سیب مخلوط کرده می‌سازند و با افزودن کمی نبات برای صافی مجاری و دفع تهوع استفاده می‌کنند.

عسلک (aselak): برگ این گیاه را جوشانده برای سینه پهلو می‌خورند.

می‌شم (mišem): جوشانده این گیاه را برای رفع یبوست استفاده می‌کنند.

پوتنیک (putenik): داروی درمان معده درد و رماتیسم است که دم کرده برگ این گیاه را برای رفع معده درد مفید است و درمان رماتیسم برگ را در موضع درد نهاده روی آن را با پارچه می‌بندند.
ریحان را نیز برای درد معده استفاده می‌کنند.
چچن واش (čačenevâšey): دم کرده برگ این گیاه را برای رفع شکم‌درد می‌خورند.
تشک زر (taška zar): ریشه این گیاه را ساییده برای درمان درد مفاصل استفاده می‌کنند.
پرسیاه افشان را برای درمان جراحات و زخم استفاده می‌کنند که برگ را ساییده روی زخم می‌گذارند.
سرج آب بیا (serjeâbe biyâ): گیاهی است که برگش را ساییده با روغن حیوانی و خاک مهر مخلوط می‌کنند و برای درمان سوختگی به کار می‌برند.
درمه (derme) یا بابونه را دم کرده برای درمان اسهال استفاده می‌کنند.
گزنه برای درمان مرض قند استفاده می‌شود که با پوست گردو مخلوط کرده دم می‌کنند، می‌خورند.
برگ گیاه دارچین و گل بنفشه را برای تقویت قلب می‌خورند.
برگ گیاه آلاله (alâlê): را می‌سایند و برای درمان زخم استفاده می‌کنند.
حسبه واش (hasbe vâš): دم می‌کنند برای درمان بیماری‌های قلبی می‌خورند.
بزرگش دم کرده را برای درمان قلب مفید می‌دانند.
ترم (torom): دم کرده را برای درمان نفخ شکم می‌خورند.
شیربران (šir borân): گیاهی است دانه‌دار که دانه گیاه آن را دم کرده برای درمان درد معده می‌خورند.
برگ اوکالیپتوس دم کرده را برای درمان سرماخوردگی استفاده می‌کنند.
اسفند درمان چشم‌درد.
گیاه میخک و بلوط برای درمان شب‌ادراری.
روغن بلوط درمان گل‌مژه.
زردچوبه درمان گوش‌درد.
گیاه پلهم، خشخاش (xaneš) و سین جرخ (sinjerx): هر سه مورد برای درمان خونریزی بینی.
به‌دانه: درمان ورم معده.
تریاک درمان درد مفاصل.
میش گوش مداوای درد کلیه.
روماج درمان جراحات.

توسکا درمان زخم پا و دست.

بوانجیر درمان جوش صورت.

لیموترش، هندوانه درمان زردی.

گلپر درمان آبسه پستان.

روناس درمان شکستگی.

داروهای غیر گیاهی و خواص آن

گوشت سندلی (sandeley): برای درمان تنگی نفس.

گوشت خرگوش برای درمان درد مفاصل.

گوشت جوجه تیغی برای درمان کمردرد و واریس پا.

ماهی اوزون برون برای درمان درد استخوان و مفاصل استفاده می‌شود برخی برای درمان این درد در آب گرم معدنی آب‌تنی می‌کنند.

ماهی زردک (zardak): برای درمان درد استخوان و مفاصل مفید است.

سوخته تریاک برای درمان اسهال مفید است.

مغزاستخوان قلم گاو و گوسفند برای درمان شکستگی استخوان پا و دست استفاده می‌شود.

روغن چراغ برای درمان یبوست استفاده می‌شود.

چربی خرس برای درمان رماتیسم و آسم که آن را روی موضع درد می‌مالند.

شاخ بز که برای التیام زخم بدن شاخ را سوزانده خاکسترش را روی زخم می‌پاشند.

موی بز سوخته با خاکستر شاخ گاو را با کره حیوانی مخلوط کرده روی زخم می‌مالیند.

ادرار گاو را در دیگ جوشانده غلیظ می‌کنند سپس روی زخم می‌مالند و با پارچه روی زخم را می‌بندند.

موی گریه برای درمان چشم‌درد.

نمک برای درمان دندان‌درد، برفک دهان نوزاد، بوی دهان.

تخم کبوتر درمان لکنت زبان.

شیردان بره درمان دندان‌درد.

سرج (قره‌قروت) درمان دندان‌درد.

تفاله چای درمان درد چشم.

جوش شیرین درمان برفک دهان نوزاد.

رامسر / ترابزاده، یارمحمدی، کندی

شیر درمان مارگزیدگی و بیماری‌های مختلف.

سوزانده موی بز برای درمان شاش‌بند.

آهک برای درمان کچلی.

مدفوع انسان برای درمان کچلی.

زرنیخ موادی است معدنی برای زدودن مو و در اینجا برای درمان کچلی استفاده می‌شود.

شیرزن برای درمان گوش‌درد نوزاد.

زغال برای درمان بوی دهان.

سقز یا وینجه برای درمان بوی دهان.

سوزانده زرده تخم‌مرغ برای درمان سوختگی.

ادرار انسان برای درمان بریدگی.

موم عسل برای درمان جراحات و سیاه زخم.

دوده ته‌دیگ برای درمان جوش صورت و بدن.

روغن حیوانی برای درمان سیاه زخم و جراحات.

شیر بز زرد رنگ برای درمان سیاه‌سرفه.

نقره برای درمان زنبور گزیدگی.

تار عنکبوت برای بند کردن خون پس از خون‌گیری با حجامت یا زالواندازی.

بیماری‌های روحی

در همه مناطق بررسی شده برای درمان بیماری‌های روحی نزد دکانویس رفته برای بیمار دعا می‌گیرند که این دعا را دود آوه شور (dud âve šur) می‌نامند. قسمتی از دود آوه شور را سوزانده دودش را به بیمار می‌دهند و تکه دیگر آن را در لیوان آب گذاشته و آبش را به بیمار می‌خورانند. دعای دیگری بوده که به گردن و یا بازوی بیمار می‌بندند. شیوه دیگر درمان بیماری روحی این است که لبه تیر را با آب شسته آبش را به بیمار می‌خورانند و یا اینکه آب سرد را در درپوش دیگ ریخته به بیمار می‌خورانند و چوب درختی به نام تادانه چو (tâdâne ču) را تکه‌تکه کرده همراه بیمار می‌کنند.

بیماری‌های جسمی

کلیه‌درد آب ترب سیاه یا گیاه میش‌گوش را دم‌کرده می‌خورند. در فتوک هل را با نبات درهم می‌آمیزند می‌خورند. در پیازکش خاکستر آتش را کمی خیس کرده در پارچه‌ای می‌ریزند و آن را روی کلیه می‌بندند.

قولنج در همه مناطق بررسی شده برای درمان قولنج اصطلاحاً گله (gole) یا کوزه می‌زدند. یعنی پارچه آغشته به نفت را روشن کرده در کوزه سفالی می‌انداختند و کوزه را به پشت شخص قولنج شده می‌چسباندند و دهانه کوزه را روی خمیر قرار می‌دهند. پس از اینکه آتش داخل کوزه خاموش شد، کوزه را بر می‌دارند. این عمل را دو سه بار با فاصله زمانی کم تکرار می‌کنند و موم عسل را آب کرده با روغن حیوانی می‌آمیزند در جای کوزه می‌مالند.

درد مفاصل برخی افراد که به این بیماری مبتلا می‌شوند در چشمه آب گرم معدنی آب‌تنی می‌کنند. شیوه دیگر اینکه کمی تریاک و نمک را در زرده تخم‌مرغ مخلوط کرده به موضع درد می‌مالند و رویش با پارچه می‌بندند. همچنین ریشه گیاه پهلیم را جوشانده آبش را روی بدن می‌ریختند و یا اینکه نفت را داغ کرده در موضع درد می‌مالند. در جنت رودبار در گذشته روغن چراغ می‌مالیدند و یا چربی خرس می‌خوردند و اگر خوب نمی‌شد پیش دعانویس رفته دعا می‌گرفتند.

ورم و درد معده برای درمان به‌دانه را دم کرده می‌خورند. در گوهرسرا خاک کل چال را در آب حل کرده صاف می‌کنند و با افزودن کمی زردچوبه می‌خورند. در تمل نیز جوشانده گل‌گاوزبان، گل‌ختمی و گل‌محمدی را به بیمار می‌خورانند. در پیازکش برای درمان این بیماری جوش شیرین می‌خورند.

ناف دکت (nâf daket): اگر در اثر انجام کار سخت و سنگین و یا بلند کردن اجسام سنگین دچار درد و ناراحتی ناف شوند ناف دکت می‌گویند که برای مداوای آن پیش اشخاصی چیره‌دست که از طبابت سر در می‌آورند می‌رفتند تا اصطلاحاً ناف بیمار را بردارند. بدین صورت که فرد را به پشت خوابانده با انگشت شست روی ناف بیمار فشار وارد می‌کرد و انگشتش را می‌چرخاند و هم‌زمان کمر بیمار را با دو دست بالا می‌آورد تا نافش بیفتد. سپس دست خود را با روغن چرب کرده روی شکم بیمار می‌مالید تا درد حاصل از چرخش انگشت شست تسکین یابد و شکمش نرم شود.

تیکه (tike): اگر فردی گوشت یا غذای نجویده را قورت می‌داد و در معده‌اش احساس ناراحتی می‌کرد به کسی مراجعه می‌کردند که به تیکه‌ور (tikeever) موسوم بود. یعنی تیکه را برمی‌داشت. بدین صورت که بیمار ناشتا پیش تیکه‌ور می‌رفت و تیکه‌ور ابتدا مقداری روغن سپس یک استکان آب داغ به بیمار می‌خوراند و شکمش را چرب می‌کرد و قدری مالش می‌داد تا صدایی بشنود. در این صورت پی می‌برد که تکه افتاده است. گفتنی است از علایم تیکه کم‌اشتهایی است.

سرفه در هم مناطق بررسی شده برای درمان این بیماری روش‌های مختلفی به کار می‌گیرند. گاهی از روی باور عقیده تا سه بار بیمار را از زیر ریشه درخت گردو رد می‌کنند و یا سوخته تریاک را به بیمار می‌خورانند. و گل‌گاوزبان و دارچین و زنجبیل را دم کرده به بیمار می‌دهند و یا روغن گردو سینه بیمار را ماساژ می‌دهند و یا موم را در روغن حیوانی گرم کرده روی سینه بیمار می‌مالند.

لکنت زبان برای درمان تخم کبوتر سفید یا خون کبوتر را به بیمار می‌خورانند.

دندان درد برای درمان دندان روی دندان نمک می‌پاشند و یا سرج^۱ (serj) و برگ گیاه خنش (xaneš) را روی دندان می‌گذارند. در گوهرسرا شیردان بره به نام رشه (roše) را روی دندان می‌گذاشتند.

کچلی تکه‌ای از حصیر را سوزانده با ماست مخلوط می‌کردند و به سر می‌مالیدند، اگر مدت زمان بیماری کچلی کمتر از شش ماه بود سعی می‌کردند تمام موهای سر را بزدایند تا بعد از درمان هماهنگ رویش کند برای این کار برگ درخت کهل را ساییده با مدفوع انسان مخلوط می‌کردند و سه مرتبه به سر می‌مالیدند. در جنت‌رودبار آهک را با مدفوع مخلوط کرده به سر می‌مالیدند تا کاملاً موی سر بریزد و دوباره رویش کند. در فتوک، زرنیخ (مواد معدنی که از دیرباز در زدودن موی بدن استفاده می‌شده است)، را در آب حل کرده سر را با آن محلول می‌شستند و تمام موی سر را می‌زدودند و برای رویش مجدد با پرمنگنات سر را می‌شستند.

گوش درد برای درمان این بیماری سیر را داغ کرده در گوش می‌گذارند یا دارچین را در آب حل کرده به دور گوش می‌مالند و یا این که زردچوبه را به پشت گوش می‌مالند. برای درمان گوش درد نوزاد شیر مادر را به اندازه چند قطره در گوش می‌ریختند. در روستای گوهرسرا برای درمان این بیماری مبل فلی را به عصاره دانه میخک آغشته می‌کنند به دور گوش می‌کشند.

رفع بوی دهان زغال را با نمک ساییده دهان را با آن می‌شویند. و یا وینجه (vinje) (سقز) را می‌جویند و در مواردی با آب و نمک و جوش شیرین دهان را شست‌وشو می‌دهند.

خونریزی دماغ برای بند آوردن خونریزی دماغ زردچوبه را در بینی می‌ریزند و یا با آب سرد صورت و پیشانی بیمار را مرتب می‌شویند. در جنت‌رودبار از روی باور و اعتقادشان به انگشت پای بیمار نخ می‌بندند. در تمل اسفند را ساییده کمی آب به آن می‌افزایند و موادی خمیرمانند می‌سازند که آن را به وسیله پنبه در سوراخ دماغ می‌گذارند. در روستای پیازکش برگ گیاه پلهم را ساییده با زردچوبه مخلوط می‌کنند و در بینی می‌ریزند. در میان لات برگ گیاه خنش (xaneš) را گلوله کرده در سوراخ بینی می‌گذارند. در روستای گوهرسرا برگ گیاه سین جرخ (sinjex) را کوبیده عصاره‌اش را می‌گیرند و پارچه‌ای را به عصاره آغشته کرده در بینی می‌گذارند.

درد چشم برای درمان این بیماری تفاله چای را روی چشم می‌گذارند و یا اسفند و موی‌گره را در آتش ریخته چشم را دود می‌دادند. در گذشته برای خارج کردن شیء خارج از چشم، چشم را می‌مالیدند و همزمان زمزمه می‌کردند سلیمان پیغمبر چشم گیاه در بر یعنی آشغال را از چشم خارج کن.

چشم زخم درمان این بیماری بیشتر جنبه اعتقادی دارد. در برخی مناطق برای درمان آن شخص دیگری از خانواده، صبح روز تیرماه سیزده (سیزدهم آبان) ناشتا و به صورت انسان لال، تبری را برمی‌داشت به پای درخت تادانه (tâdâne) می‌رفت و شاخه‌ای از این درخت را به منزل آورده تکه‌ای از آن را بر دوش

۱. سرج یکی از فرآورده‌های دامی است که طریقه ساخت آن در بخش دامداری گفته شده است.

فرد مبتلا به چشم‌زخم می‌نهند و تکه‌ای دیگر را به گردن یا شاخ گاوی می‌انداختند و برای مدتی شخص بیمار را با گاو در کنار هم می‌بستند، پس از مدتی کوتاه با این اعتقاد که چشم زخم بیمار خوب شده فرد را آزاد می‌کردند.

در مناطق دیگر برای درمان این بیماری ابتدا شخص بیمار را نزد معالج یا اصطلاحاً آب بیچیم (âbbopo čim) می‌بردند. آب بیچیم کاسه‌ای را از آب پر کرده در آن نمک و برنج و کمی خاک زیر را در ورودی خانه می‌ریخت و ساقه پیازی را نیز گاز می‌زد، سپس با خواندن دعا تکه‌زغالی را در کاسه آبی انداخته کمی آب کاسه را به دست و پا و روی جناق سینه بیمار می‌ریخت و مقداری از آب را نیز با گزنه به صورت بیمار می‌پاشید سپس مانده آب کاسه را بر سر چهارراهی می‌ریخت و کاسه خالی را به بیمار می‌داد تا کاسه را با خود به منزل بیاورد. در طول مسیر نباید برگردد به پشت سرش نگاه کند. کاسه را وارونه در گوشه‌ای از حیاط خانه می‌گذاشت و سه مرتبه با مشت به پشت کاسه می‌زد و می‌گفت: هرکس بگو وی دل بترکی (Har kas bogut vi del baterkey) یعنی هرکس که گفت دلش بترکد. بدین ترتیب بیمار را مداوا می‌کرد. شیوه‌های دیگر درمان چشم‌زخم نیز بدین روش بود که تخم‌مرغی را پیش ملا برده ملا آن را رنگ می‌کرد و دعا به تخم‌مرغ می‌خواند که بیمار آن را به خانه می‌آورد تا با ذکر نام افراد مورد نظر و فشار انگشتان دست بشکنند.

برخی به جای تخم‌مرغ تکه چوبی را به نیت رفع چشم‌زخم می‌شکانند و یا اینکه از زیر پای شخصی که چشمش بد بود، تکه گلی را برداشته می‌خورند. روش دیگر اینکه با دیدن شخصی که چشمش بد بوده (چشم شور) کون خود را بخاراند و زیر لب بگوید تی چشم می‌کین سر (kine sar mi) (ti čom mi) یعنی چشم تو روی کون من باشد. در جنت رودبار و تمل درمان چشم زخم را تش دوشانیم (taš dušanimse) و چیکاو (cikav) می‌نامند که پس از گفتن کلماتی مانند سیاچشم (چشم سیاه) کاله چشم، سبز چشم و میشی چشم اشعاری را به صورت زیر می‌خوانند:

جنت رودبار: یشنبه (یک‌شنبه) زاء، دوشنبه زاء، سه‌شنبه زاء، جمعه زاء، از نزا

Yešanbezâ došanbezâ sešanbezâ jomeza azza nezâ

یعنی یکشنبه بزاء، دوشنبه بزاء، سه‌شنبه بزاء، جمعه بزاء، اصلاً نزا

چم بگوت چم بترکی دل بگوت دل بترکی (čom bogute čom baterk del bigute del baterey)

چشم گفت چشم بترکد. دل گفت دل بترکد

جنت رودبار: اسفند و اسفند دانه - اسفند خودش می‌دانه (می‌داند)

هرکس این ج بگوت بترکی وی چشم دانه (Har kas in ja bogute Baterkey vi češme dâne)

یعنی هرکس از این فرد گفت، چشمش بترکد.

تمل: اسفند اسفند دانه اسفند صدوسی دانه

اسفند باشا سرکو بترکی چشم بدگو (Esfand bâšâ sare ku baterkey češme bad gu)

اسفند به سرکوه رفت (پرید) چشم فرد بد بگو بترکد.

برفک دهان نوزاد دهان نوزاد را با نمک یا جوش شیرین می‌شویند و یا عسل و زنجبیل را مخلوط کرده

به نوزاد می‌خورانند و دیگر اینکه سرج را روی برفک می‌مالند. در چنین مواقعی مادر نوزاد بیشتر شیر و ماست می‌خورد.

گل‌مژه یا گوزران (guzerân): برای درمان گل‌مژه سرمه می‌کشند و یا روغن بلوط را روی گل‌مژه می‌مالند. در پیازکش و تمل در گذشته از روی باورشان به سگ سلام می‌کردند بدین روش که هفت بار از روی مدفوع سگ پریده می‌گفتند: سگ سلام، بنده غلام. در تمل این عمل را سلام (selâm) می‌گفتند. در این آبادی شخص مبتلا در دو روز، صبح زود مدفوع سگ را که می‌دید دو مرتبه می‌گفت: سنده (sande) (مدفوع) سلام.

زخم خونریزی لته برای درمان معمولاً عسل و زنجبیل را مخلوط کرده یا سرج به لته می‌مالند.

دمل برای درمان دمل در روستای تمل اشکور، برگ گیاه شیربران (širborân) را کوبیده به اندازه کف دست روی دمل می‌گذارند و در دیگر نقاط موم را با روغن حیوانی مخلوط کرده روی دمل می‌مالند.

زگیل درمان زگیل در سایر نقاط بار اعتقادی دارد. شاخه کوچکی از درخت سر مزار را کنده روی صندوق قبر امامزاده می‌گذارند و نیت کرده با این عقیده هر موقع که شاخه خشک شود زگیل نیز خشک می‌شود. در گوهرسرا چوب درخت آلوچه را به صورت کمان درآورده پس از نیت در صحن امامزاده دفن می‌کنند و می‌گویند این شاخه بیوسه تا شاخه من هم خشک شود.

شب‌اداری برای درمان این بیماری برگ گیاه میخک یا تخم بلوط را ساییده به بیمار می‌خورانند و یا با آرد گندم، روغن گاوی و شکر حلوا درست کرده به بیمار می‌دهند.

شاش‌بند نوعی سوسک کنار رودخانه موسوم به آبلیسه (âblis) را در قسمت کشاله ران می‌گذارند. و یا اینکه زرشک خشک‌شده را دم‌کرده آبش را به بیمار می‌خورانند. در جنت رودبار موی بز را با گل و گیاه مخلوط کرده می‌سوزانند و بیمار را با آن دود می‌دادند.

هاری در تمل برای درمان هاری صاحب سگ باقلا یا گندم را کمی جوییده در موضع گاز گرفتگی می‌گذارند. در سلمل صاحب سگ مقداری از قرمه (گوشت پخته) را می‌جود، قسمتی از قورمه را در موضع گاز گرفتگی می‌مالند و تکه‌ای از قورمه را به بیمار می‌دهند. در پیازکش سه الی چهار تکه هیزم نیم‌سوخته را نزدیک بدن بیمار نگه‌داشته روی آن آب می‌ریختند و موضع گاز گرفته را با محلول آب زغال چندین مرتبه می‌شویند.

مارگزیدگی برای درمان مارگزیدگی، فردی ماهر قسمت بالای موضع مار گزیده را با ریسمانی محکم بسته موضع مورد نظر را با تیغ می‌شکافند و طی چند مرحله در شیر می‌گذارند، سپس خروس را در دست آن قدر می‌چرخانند تا خفه شود، سینه خروس را چاک می‌دهند روی گزیدگی می‌بندند که معتقدند این زهر مار را جمع می‌کند. در جنت رودبار پس از اینکه موضع مارگزیده را در شیر گذاشتند، دوغ را با سیر ساییده مخلوط کرده روی گزیدگی می‌گذارند.

زنبورک‌گزیدگی در تمامی مناطق بررسی شده برای درمان زنبورک‌گزیدگی پول نقره یا انگشتر را روی گزیدگی می‌مالند.

سینه پهلو برای درمان سینه‌پهلو دم‌کرده گل‌گاوزبان، گل‌ختمی، دارچین، زنجبیل، و چهارگل که شامل گل عسلک (aselek)، می‌شیم (mišim) گل‌ختمی، و عناب است را به بیمار می‌خورانند.

سیاه‌سرفه یا بز کلکی (bozekolkoley): برای درمان این بیماری شیر بز زردرنگ را به بیمار می‌دهند.

زردی (یرقان) به بیمار ماهی کوچک زنده موسوم به زردک (zardak) می‌دهند و یا شیر گاوی زردرنگ، هندوانه و لیموشیرین می‌خورند. در تمل اشکور جهت درمان این بیماری رگ کبود زیر زبان را با تیغ برش کوچکی می‌دهند تا چند قطره خون جاری شود.

جوش صورت و بدن برگ گیاه چهارگیاه را ساییده روی جوش می‌مالند و یا اینکه با آب نمک می‌شویند و برخی در چشمه‌های آب گرم معدنی آب‌تنی می‌کنند. در سلمل گیاه بوانجیر را پخته با آب آن بدن را می‌شویند. در گوهرسرا سیاهی ته‌دیگ برنج را کنده با خامه مخلوط می‌کنند روی جوش می‌مالند.

سیاه زخم روغن حیوانی و موم را جوشانده داغ داغ روی زخم می‌مالند و با پارچه‌ای روی آن می‌پوشانند. برخی برگ گیاه میش‌گوش (miš guš) را روی زخم می‌گذارند تا خوب شود.

زخم پا و دست برگ درخت کهل و توسکا را ساییده میان انگشتان می‌گذارند و یا اینکه شیره شاخه درخت توت را روی زخم می‌ریزند. در مناطق مورد مطالعه این زخم به شی‌خوردگی (ši xordegi) مشهور است.

جراحات برای درمان جراحات موم را با کمی روغن حیوانی مخلوط کرده روی جراحی می‌گذارند تا عفونت آن را بکشد و یا اینکه برگ گیاه روماج (româc) را کوبیده با زرده تخم‌مرغ مخلوط بر روی پارچه‌ای می‌مالند و پارچه را روی جراحی می‌بندند.

خون‌ریزی بریدگی بدن برای جلوگیری از خونریزی، موضع بریدگی را به ادرار انسان آغشته کرده یا آب ریشه گیاه پلهم را روی بریدگی ریخته تا خون‌ریزی بند آید.

حساسیت پوستی کسانی که به این بیماری مبتلا می‌شدند در چشمه‌های آب گرم معدنی آب‌تنی می‌کردند. در پیازکش مرسوم بود که در غروب اول هر ماه که ماه در آسمان نمایان می‌شد به ماه نگاه می‌کردند و می‌گفتند ای ماه تازه دیدی که ماه کهنه با من چه کرد. در فتوک به بدن کره می‌مالیدند و بیشتر شیر و ماست می‌خوردند.

سوختگی روغن خرس را روی سوختگی می‌مالند و روغن زرده تخم‌مرغ را روی موضع سوختگی می‌گذاشتند. یا اینکه سیب‌زمینی را رنده کرده در محل سوختگی می‌نهند و یا زرده تخم‌مرغ را با خامه

مخلوط کرده به وسیله پر مرغ روی سوختگی می‌مالند. در تمل زرده تخم مرغ سوزانده شده را با روغن گاوی آمیخته روی سوختگی می‌مالند.

اسهال معمولاً یا به بیمار سوخته تریاک و یا ماست و کته برنج می‌دهند. در فتوک هسته به را با دارچین، زنجبیل و چچن واشی (čaćen vâšey) (نوعی گیاه) م کرده به بیمار می‌خورانند و یا اینکه چای پررنگ می‌خورند.

میخچه در منطقه بررسی شده به میخچه مهی‌چم (mehi čom) می‌گویند. برای درمان آن میخ را داغ کرده روی آن می‌گذارند و یا آن را کنده نمک رویش می‌ریزند.

سردرد برای درمان سردرد پیشانی را بادکش می‌کنند. این کار را به وسیله شاخ گوسفند یا شاخ گاو که اصطلاحاً بادکشکل (bâdkeškal) می‌گویند انجام می‌دهند. یک سمت شاخ کاملاً باز سمت دیگرش سوراخ کوچکی دارد که برای بادکشی شاخ را با فشار مضاعف روی پیشانی نهاده از سوراخ انتهایی شاخ با عمل بازدم هوای داخل شاخ را خارج می‌کنند و بامقداری موم راه ورود هوا به بادکش را می‌گرفتند و برای مدتی بادکش روی پیشانی باقی می‌گذاشتند.

خاش گیر (xâšgir): گفتنی است در پاره‌ای اوقات در گلوی کودک زیر پنج سال استخوان یا اشیای ریزه بماند اصطلاحاً خاش دکت (xâš dakete) می‌گویند. یعنی استخوان در گلو افتاده که موجب تب شدید و ضعف جسمانی کودک می‌شود. در چنین مواقعی کودک را پیش شخصی که مهارت خاصی در خارج کردن این گونه اشیای دارد می‌برند. خاش‌گیر ابتدا مقداری آب به کودک می‌دهد و سپس دو سه بار به بینی کودک فوت می‌کند و بدین ترتیب شیء را به پایین هدایت می‌کند و گاهی خاش‌گیر دست چپش را در جلوی دهان کودک نگه می‌دارد تا شیء خارج شده در دستش بیفتد به پدر و مادر کودک نشان دهد.

عقیمی در مردان درمان این بیماری بیشتر از روی باور و عقیده بوده است که پیش دعانویس رفته دعا می‌گرفتند و شرط پسندی (šarte pasandi) می‌کردند اگر فرد بچه‌دار نمی‌شد دعانویس از اول به او می‌گفت که بچه‌دار نمی‌شود. ولی اگر شخص مشکلی نداشت دعانویس به شرط بچه‌دار شدن مبلغی را از شخص می‌گرفت و زمانی که بچه‌دار می‌شد بقیه دستمزد و یا گوسفندی را به دعانویس می‌دادند.

آبسه پستان برای مداوای این بیماری از دعانویس دعا می‌گرفتند همچنین روزی سه بار با اسفند و گلپر پستان را دود می‌دادند. شیوه دیگر اینکه زنی که پستانش آبسه می‌شد روی نال در خانه نشسته موی سرش را روی شانه و سینه می‌ریخت و آن را شانه می‌زد.

حجامت یکی از شیوه‌های خون‌گیری است که به وسیله آن خون کثیف بدن را می‌کشند. در همه مناطق بررسی شده به دو روش حجامت و زالواندازی خون‌گیری می‌کنند. برای حجامت قسمتی از بدن را که می‌توانستند کوزه بزنند، به ترتیبی که قبلاً گفته شد کوزه می‌گذارند و بادکش می‌کنند با این تفاوت که بر روی کمر خمیر نمی‌چسبانند. کوزه را که برداشتند با تیغ محل بادکش شده را چند خراش می‌دهند تا خون کثیف، که در موضع بادکشی شده در زیر پوست جمع شده، خارج شود.

در روستای تمل دو نوع حجامت متداول بوده یکی به نام بال خون (bâlxun) که در فصل بهار مردان روی دست زنان انجام می‌داده‌اند. بدین صورت که داخل آرنج دست را مالش می‌دادند تا ورم کند سپس با تیغ خراشیده خون از آن خارج می‌شد. نوعی دیگر پشت خون (pošte xun) بوده که زنان از زنان دیگر می‌گرفته‌اند. زمان آن در روز کله چارشمه (kole çâr šamme) (آخرین چهارشنبه سال) بوده که زنان دور هم جمع شده با کوزه از پشت هم خون می‌گرفتند.

روش دوم خون‌گیری به شیوه زالواندازی بوده که برخی از افراد که نمی‌توانستند کوزه بزنند با این شیوه خون‌گیری می‌کرده‌اند. زالواندازی به‌جز در روستای تمل در دیگر نقاط متداول بوده است. بدین ترتیب که از کنار برکه‌ها و رودخانه‌ها زالو می‌گرفتند و در داخل لیوان می‌انداختند و تکه قندی را نیز در لیوان نهاده تا زهر دهان زالو تمیز و تصفیه شود. یک روز بعد زالو را از لیوان بیرون آورده در نقاط مورد نظر رها می‌کردند که زالو پس از مکیدن خون سنگین شده می‌افتد. پس از خون‌گیری جای مکش را تار عنکبوت می‌گذاشتند تا خون‌ریزی بند بیاید.

کوفتگی معمولاً در همه مناطق بررسی شده برای درمان کوفتگی موم عسل را با روغن حیوانی مخلوط کرده با آن موضع کوفته شده را ماساژ می‌دهند و یا اینکه زردچوبه را در نفت مخلوط کرده روی کوفتگی می‌مالند. در پیازکش پوست تازه و گرم گوسفند را فلفل می‌زنند روی کوفتگی می‌بندند و یا اینکه با پشم خشک بهاره گوسفند کوفتگی را می‌پوشانند.

دررفتگی برای درمان دررفتگی، شخص را پیش شکسته‌بند یا چک‌بند (çak band) می‌برند. چک‌بند با بهره‌گیری از مهارتش نخست موضع در رفته را با آب ولرم شست‌وشو می‌دهد و با آرامی قسمت در رفته را می‌مالد و ناگهان عضو در رفته را می‌کشد تا سر جایش برگشته جا بیفتد. پس از اطمینان کامل یافتن از جا افتادن عضو در رفته روناس و زرده تخم‌مرغ را مخلوط کرده روی پارچه می‌مالند و پارچه را محکم روی موضع در رفته می‌بندند و برای جلوگیری از جابه‌جا شدن عضو جا افتاده چوب‌های تراشیده مکعبی به نام لتاک (latâk) را در چهار طرف نهاده می‌بندند.

شکستگی چک‌بند عضو شکسته شده را با تکان ناگهانی جا می‌اندازد و مانند دررفتگی با روناس و زرده تخم‌مرغ بومی و تعدادی لتاک مهار و برای مدتی با پارچه می‌بندند تا عضو شکسته جوش بخورد. اگر شکستگی در قسمت کمر باشد پوست تازه و گرم گوسفند را در موضع شکسته نهاده می‌بندند تا خوب شود.

اشخاصی که در این منطقه به امور مختلف طب سنتی می‌پردازند، عبارت‌اند از:

دلاک، موما (mumâ) (مامای محلی) چک‌بند، خاش گیر و غیره.

ابزار و وسایلی که یک دلاک در اختیار دارد: شامل لاله (lale) یا دو خاله چو (doxâle çu) از جنس چوب خیزران برای ختنه کودک که به صورت دو شاخ بوده است.

چوبک (çubak): ابزار دیگر ختنه است که چوب کوتاه و نوک تیزی است که نوک آن را در روی آلت فشار داده تا پوست اضافی را به قسمت بیرونی و نوک آلت هدایت کند.

تیغ دلاکی تیغی است با دسته چوبی یا استخوانی از نوع تاشو که آهنگران یا چاقوسازان محلی آن را می‌سازند. به واسطه این تیغ پوست اضافی نوک آلت را که به وسیله دوخاله چو، جمع و نگه داشته شده می‌برند.

پرس گیر (porosgir): تسمه چرمی است که تیغ دلاکی را با آن تیز می‌کنند.

انگزان (angerân): انبر یا گاز دندان کش است که ساخته آهنگران محلی است.

پنبه که پس از ختنه کردن به اطراف آلت می‌پیچیند.

